



سر آغاز



تاریخ شفاهی در مفهوم جدید خود، به عنوان یک علم با ماهیتی میانرشته‌ای بخصوص در سه دهه گذشته همواره مورد توجه و تأکید محافل دانشگاهی سراسر جهان قرار داشته است. شاید بتوان دلیل اصلی این توجه را، در ارتباط تنگاتنگی دانست که تاریخ شفاهی به نحو بارزی با مباحث مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، روانشناسی و تاریخ (بویژه تاریخهای محلی) برقرار کرده است. اما در مورد ایران، این موضوع به عنوان یکی از روشهای مجموعه‌سازی جمع‌آوری اطلاعات، پدیده متأخرتری است. از یک سو وقوع انقلاب اسلامی و مهاجرت صدها تن از مقامات حکومت پیشین به غرب، فرصتی استثنائی برای جمع‌آوری اطلاعات تاریخی در داخل و خارج از کشور فراهم ساخت و از سوی دیگر، برآمدن نظریه‌هایی که میدان بیش‌تری برای تحقیقات کیفی قائل بود، موضوع پرداختن به تاریخ شفاهی را به صورت امری جدی درآورد.

رونق و شکوفائی این شیوه در عرصه‌های مختلف پژوهش بویژه در زمینه تحقیقات تاریخی، هرچند با اهداف گوناگون نهادهای متعدد در داخل و خارج کشور همراه بود، بیش از هر چیز دیگر، میزان علاقه، شیفتگی و کنجکاری عموم را نسبت به کاویدن رخدادهای گذشته و دانستن هرچه بیش‌تر درباره آنها، نشان می‌دهد. بی‌گمان انقلاب اسلامی تأثیر جدی بر پژوهشهای تاریخی گذاشته اما نباید نادیده انگاشت که برخی آثار منتشر شده در خارج نیز بر پژوهشهای داخلی اثرگذار بوده است.

به هر روی، از سالها پیش لزوم برگزاری همایشی درخصوص بررسی ابعاد مختلف تاریخ شفاهی در محافل علمی و اسنادی کشور احساس می‌شد. برگزاری دو همایش و کارگاه آموزش تاریخ شفاهی با پیشگامی گروه تاریخ دانشگاه اصفهان در اردیبهشت و آذر ۱۳۸۳، اقدامی اولیه اما جدی در این راه بود. به طوری که زمینه را برای برگزاری همایشی در ابعاد گسترده‌تر فراهم آورد.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، به منظور ایجاد فضائی مناسب برای بحث و گفتگو در میان صاحب نظران و دست‌اندرکاران مباحث نظری و عملی مرتبط با این موضوع و همچنین نزدیک کردن استانداردهای اجرائی با همکاری برخی سازمانها و مؤسسات از جمله آستان قدس رضوی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سازمان صدا و سیما، موزه پزشکی، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) در شانزدهم اسفند ۱۳۸۵، اقدام به برگزاری نخستین همایش تاریخ شفاهی ایران کرد.

در این همایش یکروزه، شورای علمی پس از بررسی بیش از ۴۰ مقاله دریافتی از پژوهشگران ایرانی داخل و خارج کشور، ۱۶ مقاله را برای ارائه در جلسات صبح و بعد از ظهر انتخاب کرد. با در نظر گرفتن این نکته که در جمع‌بندی کلی، مقالات منتخب دارای چند محور و ویژگی بود، برای هر محور میزگردی تشکیل گردید. در میزگرد نخست، سخنرانان مبانی نظری تاریخ شفاهی و روشهای آن را مورد بررسی قرار دادند و در سه میزگرد بعدی، به ترتیب در مورد جایگاه دانشگاهها در شناخت تاریخ شفاهی، تاریخ شفاهی و جنگ تحمیلی و روحانیون تبعیدی در نظام ستمشاهی، و بالأخره تحقیقات موردی و طرحهای مختلف تاریخ شفاهی - که در بعضی از سازمانها و مؤسسات انجام گرفته - بتفصیل سخنرانی و بحث شد.

اغلب سخنرانان، به جایگاه تاریخ شفاهی در تاریخنگاری معاصر ایران اشاراتی کردند و شماری از آنان، ضمن ارائه تعاریف گوناگون از تاریخ شفاهی، به فنون مصاحبه و روشهای جمع آوری اطلاعات به گفتگو پرداختند.

داوری در مورد همه مطالب ارائه شده در همایش، مستلزم بحثی دراز دامن است و نگارنده این سطور، تنها چندین نکته اصلی همایش را - که در سخنرانی اختتامیه نیز به نوعی بدانها اشاره شد - به اختصار بازگو می کند.

۱- نخست آنکه تاریخ ما از یکصد سال پیش تاکنون به نوعی گرفتار مغالطه «کنه و وجه» شده است. به این معنی که اغلب پژوهشگران با زاویه دیدی خاص مبتنی بر نگرشی ویژه به رخدادهای تاریخی توجه کرده و سعی کرده‌اند با تعمیم آن وجه خاص بر سایر وجوه تأثیرگذار بر حوادث، کنه حقیقت را کشف کنند. این موضوع، موجب شده تا نوعی نگرش یکسوگرایانه در آثار هر کدام از آنان مشاهده شود. گروهی دیگر از نویسندگان متأخر در دو دهه گذشته، سعی کرده‌اند واقعیت‌های جامعه ایران را براساس نظریه‌ها و آرای ارائه کرده نویسندگان اروپائی و آمریکائی تحلیل کنند. ایراد وارده بر این رویکرد، آن است که متأسفانه بسیاری از مفاهیم از بدو ورود به جامعه ایران، بی آنکه در جایگاه خود تعریف شوند، بنابر پاره ای اغراض سودجویانه و گروهی دستخوش تحریف قرار می گیرند.

از این منظر، با در نظر داشتن این نکته که منابع مکتوب اعم از اسناد و گزارشهای رسمی و همچنین تحقیقات مستقل در موضوعات اجتماعی و تاریخی عموماً محدود و ناقص است، تاریخ شفاهی در جایگاه منبعی اصلی و تکمیل کننده در حوزه‌هایی که شواهد و مدارک مستند نادر است و یا با تمایلات و گرایشهای یک جانبه نوشته شده، به بسط و گسترش این دانش تاریخی می پردازد.

ویژگی برجسته تاریخ شفاهی در مقایسه با تاریخنگاری مبتنی بر اسناد و گزارشهای رسمی، ضبط و ترسیم ویژگیهای روانشناختی و ارائه تصویری کم و بیش زنده براساس تجربیات مستقیم و غیرمستقیم افراد است. در این شیوه، ثبت حوادث به واسطه درج آهنگ و زیر و بم صدا و ظرایف کلامی، به گونه ای است که عواطف و احساسات اشخاص بازنمایانده و تجربیات آنان با گزارشهای مکتوب تلفیق می شود.

۲- نکته دوم، توجه دادن به این واقعیت مهم است که به تاریخ شفاهی می‌باید به مثابه پروسه نگاه کرد. پرسشهایی از این قبیل که فعالیتهای انجام گرفته در این زمینه بویژه در دو دهه اخیر چه روندی در ایران پشت سر گذاشته؟ در حال حاضر در چه وضعی به سر می‌برد؟ چه آسیبهایی آن را تهدید می‌کند و راهکارهای مناسب برای برطرف کردن این آسیبها کدامند؟ هنوز در کانون توجه مدیران و محققان جای نگرفته است. دلیل اصلی و علت واقعی، چیزی نیست جز اینکه بپذیریم اغلب متولیان و دست اندرکاران، به تاریخ شفاهی به مثابه پروژه می‌نگرند و نه پروسه. البته این نحوه نگرش نادرست، تنها به تاریخ شفاهی اختصاص نیافته بلکه توجه بسیاری از برنامه‌ریزان و مدیران در مراکز و مؤسسات پژوهشی به جای آنکه معطوف به تعیین خط مشی و ترسیم جایگاه و نقش سازمانی خود در تحقیقات کشور باشد، به پروژه‌ها محدود گشته؛ غافل از اینکه پروژه‌ها زمانی معنی واقعی پیدا می‌کنند که بر اهداف و برنامه‌های مناسب مبتنی باشند.

۳- سومین نکته در بحث تاریخ شفاهی، توجه به مصاحبه و تفکیک مصاحبه‌کنندگان به مستقل و حرفه‌ای و همچنین اهمیت دادن به کارهایی است که مصاحبه‌کنندگان حرفه‌ای انجام می‌دهند. مصاحبه‌کننده مستقل، کسی است که به مصاحبه به عنوان ابزار تکمیلی خود می‌نگرد و برای گسترده‌سازی حوزه اطلاعات خود درباره جزئیات هر موضوع پرسش می‌کند و نه چیز دیگر؛ در حالی که مصاحبه‌کنندگان حرفه‌ای، مصاحبه‌هایی برگزار می‌کنند که کاربرد عمومی تری دارد.

طرح این موضوع، از آن جهت حائز اهمیت است که مصاحبه‌کنندگان مستقل، عموماً مصاحبه‌های خود را در آرشیوهای عمومی نگه نمی‌دارند و اغلب مصاحبه‌های آنان در گنج‌ها، صندوقها، زیرزمین‌ها یا احتمالاً زیر شیروانی‌ها خاک می‌خورد. این نوع مصاحبه‌ها چون بیش تر به نیازهای آنی مصاحبه‌کننده پاسخ می‌دهند، به ندرت مورد مراقبت و نگهداری قرار می‌گیرند. سوال اصلی، این است که چه تدابیری اندیشیده شود تا مصاحبه‌هایی که مصاحبه‌کنندگان مستقل صورت می‌دهند، در آرشیوهای عمومی و ادارات اسنادی نگهداری و پردازش شوند و حتی در صورت لزوم در اختیار دیگران قرار گیرد.

۴- از آنجا که نگرشهای حاکم بر مصاحبه‌های انجام شده بیش تر در سطح نخبگان و همچنین معطوف به تاریخ سیاسی ایران دوره پهلوی بوده است، ارائه هر تعریفی محدود از تاریخ شفاهی به عنوان آنچه در مجموعه‌های آرشیوی دیده می‌شود، خطاست. بر همین اساس، توجه به گفتگوهای که جنبه خانوادگی، محلی و اجتماعی داشته باشند، می‌باید بیش از پیش مورد توجه این مراکز قرار گیرد تا به این ترتیب سطح مصاحبه‌ها تنها به نخبگان محدود نشود و به لایه‌های میانی و حتی پائینی جامعه نیز کشیده شود.

۵- سازمانها و مراکز تحقیقاتی و مصاحبه‌کنندگان برای انجام کارهای تاریخ شفاهی، می‌باید معیارهایی را به لحاظ مسئولیتهای حقوقی و اخلاقی و روش شناختی تقبل کنند و همچنین به دنبال راههایی باشند که مصاحبه‌های خود را در دسترس محققان دیگر بگذارند تا جهت تأیید و یا کاربردهای آتی از آنها استفاده کنند.

۶- هر چند مجموعه فعالیت‌های تاریخ شفاهی و نحوه اداره آن در ایران برخلاف کشورهای آمریکا و اروپا تحت نظر دانشگاهها نبوده و عملاً سازمانها و ادارات اسنادی به عنوان متولیان رسمی این فعالیتها شناخته شده‌اند، باید این واقعیت را پذیرفت که همین اندازه کارهایی که انجام شده، نه تنها فاقد استانداردهای تحقیقاتی نبوده، بلکه از اعتبار علمی مناسبی برخوردار است و توانسته تحقیقات دانشگاهی را در داخل و خارج از کشور تحت تأثیر خود قرار دهد.

با این همه، شایسته است شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی، با بررسی این موضوع و تصویب نیازهای دانشگاهی، زمینه‌های مناسب برقراری روابط گسترده استادان و دانشجویان دانشگاههای سراسر کشور را در رشته‌های مختلف علوم اجتماعی و تاریخ با مراکز اسنادی فراهم کنند. دانشگاههای ایران با داشتن بودجه کافی و اختصاص بخشی از آن به تحقیق و پژوهش نظری درباره مباحث تاریخ شفاهی، بتدریج این امکان را خواهند یافت تا کرسی‌هایی در این حوزه در دانشگاهها ایجاد کنند. تنها با ورود گسترده و روزافزون استادان و دانشجویان دانشگاههای سراسر کشور به صحنه فعالیت‌های تاریخ شفاهی، می‌توان امیدوار شد که انجمن مرکزی تاریخ شفاهی ایران، به منظور همکاری متقابل کلیه دست اندرکاران فعالیت‌های پژوهشی تاریخ شفاهی و ارتقای سطح علمی آنان به وجود آید.

۷- در حاشیه برگزاری نخستین همایش تاریخ شفاهی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در یک اقدام مبتکرانه، تالار مجهزی را به عنوان نمایشگاه اختصاص داد تا سازمانها و ادارات دست اندرکار، بخشهایی از فعالیت‌های خود را در موضوع تاریخ شفاهی، در معرض دید شرکت کنندگان همایش قرار دهند که مورد استقبال عموم قرار گرفت.

مرتضی رسولی پور